

چشم انداز جنگ یمن و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا حاتمی^۱ *

علیرضا بیگی^۲

چکیده

۶۵

بحران یمن که در سال ۲۰۱۵ و با حمله عربستان سعودی به آن آغاز گردید، امنیت کشورهای بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داد. تأثیرپذیری امنیت کشورهای غرب آسیا از رخداد های منطقه سبب گردیده تا اغلب کشورها استراتژی تقویت سیستم های پدافندی و دفاعی را در پیش گرفته و این منطقه را به انبار تسلیحات نظامی تبدیل سازند. امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان بازیگر فعال منطقه تحت تأثیر رخداد های موجود به ویژه بحران یمن است. این پژوهش که با روش آینده پژوهی و تکنیک سناریونویسی از قلم گذشته، سعی دارد تا آینده جنگ یمن را در قالب چندین سناریو تبیین ساخته سپس پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران را مورد واکاوی قرار دهد. در واقع سؤال اصلی پژوهش بدین صورت است که آینده جنگ یمن چگونه خواهد بود و چه پیامدهای امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت؟ جهت نیل به پاسخ این پژوهش از شیوه گردآوری منابع اسنادی بهره گرفته شده است. فرضیه این پژوهش حکایت از این دارد که ۴ سناریوی «ادامه روند فعلی جنگ»، «گفتگو»، «تقسیم یمن به شمالی و جنوبی» و «همه پرسی» به ترتیب محتمل ترین سناریوهایی هستند که می توان برای آینده جنگ یمن متصور شد. در پایان نیز تلاش شده است تا پیامدهای ترور قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس جمهوری اسلامی ایران، بر جنگ یمن و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران بررسی شود.

واژگان کلیدی: آینده پژوهی، امنیت، انصارالله، ایران، قاسم سلیمانی، یمن

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* m.hatami@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۴

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هشت، صص ۹۰-۶۵



فصلنامه

پژوهش های

روابط بین الملل،

دوره دهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و هشت

پاییز ۱۳۹۹

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بازیگران فعال و اثرگذار در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس، جهت پیشبرد برنامه‌های خود به منطقه‌ای امن و باثبات نیاز دارد. در واقع جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه بر امنیت داخلی خود اهتمام ویژه‌ای دارد، به دنبال منطقه‌ای امن در غرب آسیا و خلیج فارس است. بخش قابل توجهی از امنیت منطقه‌ای ایران و سایر کشورهای منطقه به تحولات یمن وابسته است. کشور یمن و تحولات آن اهمیت ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران دارد لذا این کشور تلاش داشته تا تحولات یمن را در قالب بیداری اسلامی تحلیل و ارزیابی کند تا مانع از ورود کشورهای غربی به عنوان عامل بی‌ثبات کننده به منطقه شود. جمهوری اسلامی می‌داند که هر تغییر حتی نسبتاً کوچک در تحولات میدانی این کشور می‌تواند تأثیرات معنادار زیادی بر امنیت ایران اسلامی داشته باشد؛ اما و اگرهای بسیاری در رابطه با آینده جنگ یمن و پیامدهای آن بر کشورهای منطقه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که با ترور قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران شدت یافته است. از این روی اهمیت پژوهش حاضر آشکار می‌شود زیرا اهدافی که پژوهش دنبال می‌کند از این قرار است که بتواند از طریق روش آینده‌پژوهی و با استفاده از تکنیک سناریونویسی به این سؤال که آینده احتمالی جنگ یمن چه بوده و چه پیامدهای امنیتی بر جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت به عنوان مسأله پژوهش پرداخته و آن را در قالب چندین سناریو پیش‌بینی کرده و پیامدهای هر یک از آنان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را تبیین نماید. ضرورت انجام پژوهش نیز از این حیث است که یمن در مسیر مواصلات دریایی خلیج فارس به سوی دریای مدیترانه قرار گرفته است که به‌صورت مستقیم بر امنیت تجاری و غیر مستقیم بر امنیت منطقه‌ای و داخلی ایران اثرگذار است لذا بایستی تحولات آن به دقت مورد مذاقه قرار گیرد. اهمیت پژوهش از این حیث است که با توضیح رخدادهای گذشته بحران یمن، محتمل‌ترین رخدادهای جنگ یمن را در قالب سناریو پیش رو قرار داده است. محدوده مکانی این پژوهش کشور یمن و محدوده زمانی آن نیز از دوران قبل از اتحاد یمن دو یمن شمالی و جنوبی در سال ۱۹۹۰ تا بحران اخیر این کشور در سال ۲۰۱۵ بوده که تا به امروز (۲۰۲۰) نیز ادامه یافته است.

سازمان‌دهی پژوهش نیز بدین‌صورت است که پس از تبیین تکنیک سناریونویسی در مطالعات آینده‌پژوهی، دو رویکرد آینده رو به عقب و آینده رو به جلو در تحولات یمن به کار گرفته خواهد شد. به عبارت دیگر بر طبق این دو رویکرد، با مطالعه روند پیشین تحولات یمن تا قبل از اتحاد دو یمن شمالی و جنوبی در سال ۱۹۹۰ و بررسی رخدادهای پس‌اتحاد تا حمله نظامی عربستان به این کشور در سال ۲۰۱۵، به تدوین سناریوهای آتی جنگ یمن پرداخته و تأثیر پیامدهای هر سناریو بر امنیت جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار می‌گیرد. شیوه گردآوری منابع آن نیز اسنادی و مصاحبه‌نخبگانی است. از جمله مشکلات پژوهش دشواری دسترسی به معلومات جدید در رابطه تحولات سیاسی و نظامی یمن بود که سعی شد با شیوه گردآوری معلومات از طریق مصاحبه نخبگانی با برخی از یمنی‌های موجود در ایران و فعالان حوزه رسانه این مشکل برطرف گردد. در پایان نیز بر طبق فرضیه پژوهش، ۴ سناریوی احتمالی برای آینده جنگ یمن می‌توان متصور شد که محتمل‌ترین آنان ادامه روند فعلی جنگ باشد. سناریوی دیگر که تحت تأثیر رخدادهای اخیر از جمله شهادت سردار سلیمانی قرار گرفته و موجب شده تا انصارالله با هدف انتقام‌گیری، به مواضع سعودی حملات سهمگین تازه‌ای وارد آورند، سناریو گفتگو است. سناریوی بعد که سناریو تقسیم یمن به شمالی و جنوبی بوده، یکی از اهدافی بوده که عربستان سعودی و هم‌پیمانان آن دنبال می‌کردند اما رخدادهای اخیر احتمال وقوع آن را کاهش داده و آن را در مرتبه سوم احتمال رخداد قرار داده است. سناریوی اخیر که همه‌پرسی است، از درصد وقوع بسیار کمی برخوردار است.

۱. روش پژوهش

غالب نظریه‌پردازان معاصر در تحلیل تحولات سیاسی نظر به آینده دارند. توجه و اهتمام بیش‌ازپیش به آینده در تحلیل تحولات سیاسی نیز به‌نوبه خود موجب شده تا امروزه روش آینده‌پژوهی بیش از گذشته اهمیت یافته و در پژوهش‌ها کاربرد یابد (عیوضی، ۱۳۹۵: ۱۸۲). در ابتدا بایستی عنوان داشت که هر پژوهشی پیرامون آینده، «آینده‌پژوهی» نامیده می‌شود. در واقع آینده‌پژوهشی مطالعه ساختارمند آینده‌های ممکن، محتمل و

مرجع و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌های پیش رو است (عنایت‌الله، ۱۳۹۳: ۷). روش آینده‌پژوهی به تناسب موضوع مورد مطالعه از تکنیک‌های گوناگونی همچون تکنیک سناریونویسی، دلفی، نظریه بازی‌ها، شبیه‌سازی، گشت‌وگذار، تسجیم و غیره بهره می‌گیرد (حاجیانی، ۱۳۹۶). در این پژوهش نیز جهت آینده‌پژوهشی جنگ یمن و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران از تکنیک سناریونویسی بهره گرفته شده است. سناریونویسی نیز روشی جهت تدوین آینده‌های مختلف و برنامه‌ریزی بر پایه آن است. جهت برنامه‌ریزی آینده‌بایستی درکی نزدیک به واقعیت از تغییر و تحولات ممکن در آینده داشت که این مهم بر عهده سناریو است. سناریوها بر اساس مجموعه شواهد، داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده به تحلیل روند گذشته می‌پردازد تا بتواند به پیش‌بینی آینده بپردازد. تمرکز و توجه اصلی در سناریونویسی ایجاد یا بازسازی وقایع و روندهای آینده و گذشته است. سناریو به نوعی به تصویر کشیدن آینده در زمان حال را بر عهده دارد. سناریوها از نظر مفهومی رخدادهای متوالی حقیقی و در پاره ای مواقع، فرضی هستند که جهت معطوف ساختن توجهات به آینده، در فرایند تصمیم‌گیری‌ها ایجاد می‌شوند (حاجیانی، ۱۳۹۶: ۲۵۹-۲۶۲). سناریو انواع مختلفی دارد که در یک تقسیم‌بندی مشهور می‌توان آن‌ها را به صورت ذیل تقسیم‌بندی کرد.

سناریویی که در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت سناریوی اکتشافی خواهد بود زیرا نگارندگان این پژوهش در پی این مهم هستند تا با واکاوی تحولات گذشته و حال یمن، آینده احتمالی این جنگ را در قالب چندین سناریو تدوین کرده و تأثیر آنان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را تبیین سازند.

مهم‌ترین رویکردهای مورد استفاده در این سناریو عبارت است از «آینده رو به عقب^۱» و «آینده روبه‌جلو^۲». در رویکرد آینده رو به عقب سعی می‌شود بررسی آینده با توجه به تحولات گذشته صورت پذیرد اما در رویکرد آینده روبه‌جلو تلاش می‌شود تا وضعیت‌های باورپذیر آتی این جنگ و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به روند کنونی پیش‌بینی گردد. در واقع هدف در این رویکرد طرح آینده‌های

1. Future Backwards

2. Future Forwards

باورپذیر با توجه به روال کنونی و حال است. هدف از اتخاذ این دو رویکرد در مطالعات آینده‌پژوهی و به‌طور مشخص در تکنیک سناریونویسی، افزایش درک وضعیت‌های آتی جنگ یمن و نتایج امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران است. در چنین فرایندی ممکن است مقوله‌هایی همچون نیروهای تغییرری که موجب تندی یا کندی یک‌روند می‌شوند با عنوان «نیروهای پیشران»، نیروهایی که موجب سد یک‌روند و سناریو می‌شوند با عنوان «نیروهای سد کننده» و امور غیرمترقبه‌ای که در طول یک‌روند به‌صورت ناگهانی رخ می‌دهند با عنوان «کارت‌های شگفتی‌ساز» به میان آیند (غریاق زندی، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

۶۹



چشم‌انداز جنگ
یمن و پیامدهای
امنیتی آن برای
جمهوری اسلامی
ایران

در فرایند سناریونویسی بایستی به نکاتی مهم توجه داشت. نخست آنکه باید دانست بازیگران، عوامل و فعالان فعلی و آتی سناریو چه کسانی هستند و یا چه کسانی خواهند بود. این بازیگران می‌توانند فرد، حزب، گروه، کشور، دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و غیره باشند. بایستی توجه داشت که ویژگی‌ها، اقتضائات، امکانات، توانمندی‌ها، سوابق، ذهنیات و فرصت‌های هر کدام چقدر و چگونه است؟ (حاجیانی، ۱۳۹۶: ۲۷۲).

از دیگر نکات مهم اینکه هر سناریو بایستی حداقلی از احتمال را داشته باشد. درواقع شایسته است که همه سناریوهای نگاشته شده احتمال وقوع داشته باشند. هر سناریو بایستی از انسجام درونی برخوردار باشد زیرا که بدون انسجام درونی از اعتبار ساقط هستند (پدارم و زالی، ۱۳۹۷: ۶). شایسته است که سناریوها نام‌گذاری شده و از حیث احتمال تحقق به ترتیب از قوی به ضعیف نگاشته شوند. بایستی به این نکته توجه داشت که هدف به‌کارگیری سناریوها بهبود ظرفیت سازمانی برای تفکر درباره آینده و برخورداری از هوشیاری و آمادگی بیشتر برای پاسخگویی در مقابل تغییرات است (پدارم و زالی، ۱۳۹۷: ۷).

در سناریونویسی باید حوادث، رویدادها و وقایعی که در شرایط کنونی و آتی به وجود آمده یا به وجود خواهند آمد تبیین گردد؟ باید مشخص شود که این حوادث چه تأثیری بر روند شرایط خواهند داشت. درنهایت اینکه باید توجه داشت که دامنه انتخاب‌ها یا تأثیرات مختلف هر کنش یا اقدام بازیگران و یا پیامدهای متنوع هر حادثه کدام هستند؟ (حاجیانی، ۱۳۹۶: ۲۷۲). با اهتمام به نکات فوق می‌توان اقدام به

سناریونویسی کرد. در سناریونویسی این پژوهش سعی می‌شود تا سناریوها به ترتیب قوی و محتمل به ضعیف نگاشته شود.

۲. بدنه پژوهش

در قسمت پیشرو در چارچوب رویکرد آینده رو به عقب جنگ یمن تلاش می‌شود تا خاستگاه بحران‌های یمن تا قبل از اتحاد آن در سال ۱۹۹۰ و نیروهای پیشران آن‌که موجب استمرار این تحولات و بحران‌ها تا به امروز شده است به صورت موجز و مفید مورد مذاقه قرار گیرد تا بتوان متناسب با تحولات گذشته آن، سناریوهای احتمالی آینده جنگ یمن را تدوین کرد.

۷۰

۱-۲. آینده رو به عقب: بحران یکپارچگی یمن

تاریخ کشور یمن ملامال از حوادث سرنوشت‌ساز و تأثیرگذار بر منطقه غرب آسیا و خلیج فارس بوده که ساری و جاری‌ترین این تحولات و رخدادها جنگ و پیکار بوده است (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۱۰۵). این پیکارها تا قبل از سال ۱۹۹۰ غالباً پیرامون اتحاد یا عدم اتحاد دو یمن شمالی و جنوبی بوده است. بالین وجود مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار تحولات و رخدادهای مهم یمن از جمله جنگ‌های طولانی مدت در این کشور از قرار ذیل است.

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره دهم، شماره
سوم، شماره پیاپی
سی و هشت
پاییز ۱۳۹۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مهمترین عوامل تأثیرگذار در تحولات تاریخی یمن



تصویر شماره ۱. مهم ترین عوامل تأثیرگذار در تحولات تاریخی یمن و جنگ های تاریخی این

کشور (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۱۸-۲۲)

از ظهور اسلام در یمن تا دوران معاصر حکومت های دینی مختلفی در یمن به قدرت رسیدند. در واقع حکمرانی بر یمن میان امامان زیدی، صلیحیان اسماعیلی، آل زیاد، آل رسول و آل طاهر دست به دست می شده است. در میان حکومت های مذکور، پایدارترین و گسترده ترین دولت به دست امامان زیدی پایه ریزی شد. حکومت زیدیان از حدود ۸۹۸ میلادی تا ۱۹۶۲ به حیات خود ادامه دادند. امامان زیدی از دوره عباسی حکومت یمن را

در اختیار گرفته و تا حدود ۱۲۰۰ سال آن را حفظ کرده و بر این سرزمین حکم راندند. ذکر این نکته مهم است که در سال ۱۷۴۰ یکی از امامان زیدی کشور یمن را بین دو فرزند خود تقسیم کرد و این امر آغاز تقسیم یمن به دو بخش شمالی و جنوبی شد (ولیزاده میدانی و بیگی، ۱۳۹۶: ۳۸).

امامان زیدی پس از خروج عثمانی از یمن به صورت موقت حکومت سراسر یمن شمالی را عهده دارد شدند. آنان در این زمان دائماً ادعای خویش بر عدن و دیگر تحت‌الحمایه‌های انگلستان در یمن را مطرح می‌کردند که همین امر با مخالفت برخی از قبایل و قدرت‌های خارجی مواجه شد. پس از آنکه احمد حمیدالدین در سال ۱۹۶۲ درگذشت و فرزند وی به نام «محمد البدر بن احمد حمیدالدین» به قدرت رسید، مخالفان امامان زیدی در قالب گروهی با عنوان «افسران آزاد جمهوری خواه» علیه محمد البدر کودتا کرده و با ایجاد سریع حکومت نظامی، «جمهوری عربی یمن» را تشکیل دادند. از مجریان و از طراحان اصلی این کودتا، افسران جوانی بودند به نام «علی عبدالله صالح» و «عبدالله السلال». عبدالله السلال که توسط محمد البدر از زندان آزاد شده بود و در سمت فرماندهی گارد سلطنتی وی قرار داشت، با کمک علی عبدالله صالح علیه محمد البدر کودتا کرد. عبدالله السلال در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۲ خود را نخستین رئیس‌جمهور یمن معرفی کرد و این امر آغازی بودی بر جنگ‌های داخلی یمن (ولیزاده میدانی و بیگی، ۱۳۹۶).

در سال ۱۹۶۷، عبدالله السلال با کودتای نرم نخست‌وزیر خود یعنی «عبدالرحمن الایرانی» برکنار شد. در این سال که عبدالرحمن الایرانی رئیس‌جمهور یمن جنوبی شد، کمونیست‌های یمن جنوبی در سال ۱۹۷۰ با حمایت اتحاد جماهیر شوروی اعلام کردند که نام یمن جنوبی از «جمهوری مردم یمن جنوبی» به «جمهوری دموکراتیک خلق یمن» تغییر کرد. این تغییرات خود پیامدهایی به دنبال داشت که موجب احساس خطر از سوی جناح اصلاح طلب گردید. برخی از پیامدهای تشکیل جمهوری دموکراتیک خلق یمن در جنوب در نمودار ذیل ذکر گردیده است (جعفریان، ۲۵۳۵: ۲۴).

پیامدهای ایجاد جمهوری دموکراتیک خلق یمن در جنوب

تبدیل شدن عدن به پایگاه قدرتهای کمونیست

پرورش و تربیت نیروی چریک

ارسال گروه‌هایی برای ایجاد روابط تشکیلاتی با جمهوری عربی یمن

تبدیل خلیج عدن به منطقه تحت تسلط کمونیسم اروپا یعنی
آلمان شرقی

نفوذ در سواحل کشورهای دیگر در خلیج عدن

برقراری روابط سیاسی با کشورهای جزیره‌العرب

تأمین تبلیغات کمونیسم در جزیره‌العرب

تصویر شماره ۲. پیامدهای ایجاد جمهوری دموکراتیک خلق یمن در جنوب

با کودتای نظامی ژنرال ابراهیم محمد الحمیدی علیه عبدالرحمن الایرانی، به مدت چهار سال ژنرال‌ها بر یمن حکومت کردند. ابراهیم الحمیدی روندی مبتنی بر گفتگو و مذاکره جهت وحدت یمن شمالی و یمن جنوبی را در پیش گرفته بود. این اقدامات الحمیدی سبب محبوبیت او در میان اکثریت مردم یمن شد. وی در اواسط دهه ۷۰ میلادی با سالم ربیع علی، رئیس‌جمهور یمن جنوبی به منظور ایجاد روابط عادی‌تر، مسالمت‌آمیزتر دیدار کرد. هر دو رئیس‌جمهور با تأکید بر فوریت همکاری و هماهنگی میان دو یمن جهت وحدت، گام‌هایی نیز در این مسیر برداشتند اما حرکت آنان وابسته به فعالیت‌های عربستان سعودی بود. حرکت‌های دو یمن جهت تقویت همکاری‌ها در حال پیشروی بود تا اینکه حادثه‌ای این روند را متوقف ساخت. ابراهیم الحمیدی در اکتبر ۱۹۷۷ در نخستین شب بازدید برنامه‌ریزی‌شده از عدن به قتل رسید. یک سال پس از ترور الحمیدی، سالم

ربیع علی، رئیس‌جمهور یمن جنوبی نیز در یک کودتای خونین سرنگون شد (ولیزاده میدانی و بیگی، ۱۳۹۶: ۱۶).

پس از ترور ابراهیم الحمدی رئیس‌جمهور محبوب یمن شمالی در سال ۱۹۷۷، فردی به نام «احمد حسین الغشمی» که حامی اتحاد میان یمن شمالی و جنوبی بود، به ریاست جمهوری یمن شمالی رسید اما او نیز پس از هشت ماه به سبب انفجار بمب در جلسه‌ای با سالم ربیع علی، رئیس‌جمهور یمن جنوبی، ترور شد.

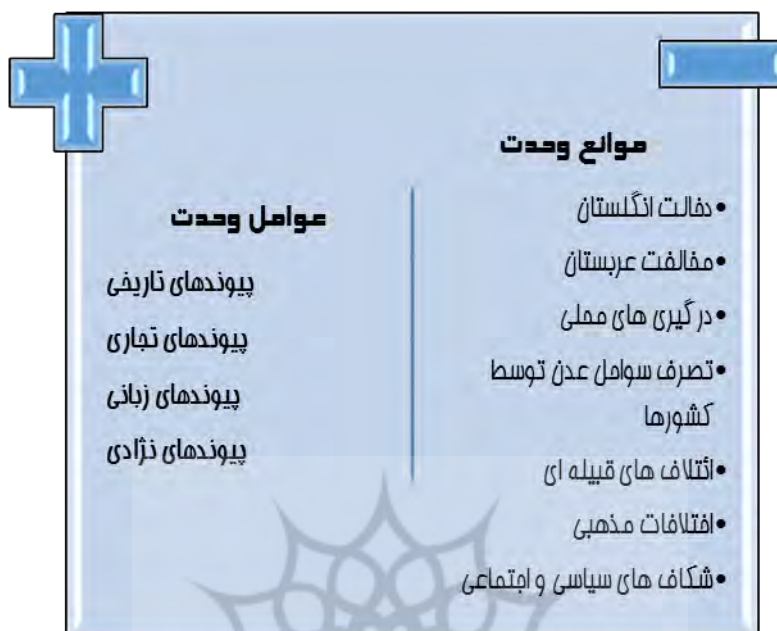
پس از ترور احمد حسین الغشمی، «عبدالکریم عبدالله العرشی» در یمن شمالی به قدرت رسید. او نیز کمتر از یک سال قدرت را در دست داشت و در سال ۱۹۷۸ قدرت را به «علی عبدالله صالح» واگذار کرده و خود نیز در سال ۲۰۰۶ درگذشت. جمهوری عربی یمن پس از به قدرت رسیدن علی عبدالله صالح، یمن جنوبی را به ترور رئیس‌جمهور سابق و اتهام تلاش برای صدور انقلاب سوسیالیستی به شمال متهم نموده و روابط خود را با آن قطع کرد (نجابت و کوشکی، ۱۳۹۵: ۳۷).

در دوران علی عبدالله صالح یمن از وضعیت سیاسی مطلوبی برخوردار نبود. ارتش این کشور دچار تشتت و تفرقه گردیده بود. در فوریه ۱۹۷۹ یمن جنوبی با حمایت اتحاد جماهیر شوروی به یمن شمالی یورش برده و شهرهای مرزی آن را به تصرف خود درآورد اما در همان زمان با میانجیگری دولت‌های عربی، رهبران دو یمن قراردادی جهت تعامل دوجانبه با یکدیگر به امضا رساندند (مجموعه من المؤلفین، ۱۹۹۰ م: ۳۰۲-۳۰۳).

در قرارداد مذکور برخی از خواسته‌های یمن جنوبی محقق گشته بود زیرا یمن جنوبی از حیث نظامی بر یمن شمالی برتری داشت. یمن شمالی نیز بارها از عربستان سعودی درخواست کمک و تسلیحاتی نظامی کرده بود اما ره به‌جایی نرسیده بود تا اینکه در اوت ۱۹۷۹ یمن شمالی جمهوری موافقت‌نامه‌ای در زمینه تسلیحاتی با اتحاد جماهیر شوروی یعنی حامی اصلی خارجی عدن امضا کرد که بیشتر واکنشی در برابر خودداری عربستان سعودی از تحویل سلاح‌های آمریکایی در جریان جنگ ۱۹۷۹ وعده داده شده به یمن شمالی می‌رفت. در اکتبر ۱۹۷۹ جمهوری دموکراتیک خلق یمن با انعقاد یک پیمان بیست‌ساله دوستی و همکاری با مسکو بر پیوندهای نزدیک خود با شوروی تأکید ورزید. دولت سعودی و متحدان او که اتحاد دو یمن را در تعارض با منافع خود می‌دیدند، همه

تلاش خود را جهت جلوگیری از تحقق این امر مبذول داشتند. رهبران قبایل یمن شمالی به صورت قاطعانه با وحدت مخالفت ورزیدند (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۱۳۸-۱۳۹).

علی عبدالله صالح و شرکای او از فرصت به وجود آمده سوءاستفاده کرده و قدرت را به انحصار خود درآوردند (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۵۸). انحصارطلبی عبدالله صالح در قدرت، اختلاف نظر پیرامون جنگ اول خلیج فارس، اختلافات سیاسی و مذهبی و هویتی و عواملی از این قبیل زمینه ساز شکاف مجدد میان شمال و جنوب شد. در نتیجه جبهه گیری تقابلی میان دو قطب شمالی و جنوبی شدت یافت. نتیجه آن نیز شکست توافق عمومی اتحاد دو یمن شد. پس از آن نیز اختلافات سیاسی میان دو یمن فزونی یافته و موجب شروع نبردی سخت در سال ۱۹۹۴ گردید که پس از چند ماه با سرکوب جنوبی ها خاتمه یافته و اتحاد همچنان پابرجا ماند (شولز، ۱۳۹۱: ۴۶۲). با پیروزی یمن شمالی به رهبری علی عبدالله بر یمن جنوبی به ریاست علی سالم البیض، استبداد و قدرت علی عبدالله صالح افزایش یافته و به موجب آن یمن جنوبی تمایل بیشتری به استقلال پیدا کرد. علی عبدالله صالح در این زمان به یکه تاز عرصه سیاست تبدیل شده و استبداد او مانع از تشکیل هرگونه سازمان مدنی یا اجتماع مردمی می شد. وی برای بقاء همیشگی در قدرت به حربه های مختلفی متوسل شده و پی ریزی های بسیار زیادی در یمن انجام داد که تأثیرات آن حتی امروزه (۲۰۱۹) که چندین سال از مرگ او می گذرد، در بحران فعلی یمن قابل مشاهده است. به قدرت رسیدن صالح در یمن و ائتلاف های سیاسی و نظامی وی با کشورها، قبایل و گروه های سیاسی و نظامی مختلف تبعات جبران ناپذیری برای یمن در پی داشت که در ادامه بیان خواهد شد. در ذیل مهم ترین عوامل و مهم ترین موانع وحدت دو یمن شمالی و جنوبی بیان گردیده است.



تصویر شماره ۳. مهم‌ترین عوامل و مهم‌ترین موانع وحدت دو یمن شمالی و جنوبی

۲-۲. آینده روبه‌جلو: تلاش برای نابودی حوثی‌ها

تا قبل از اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰ چنین برداشتی در ذهن‌ها وجود داشت که عامل اصلی جنگ‌های داخلی یمن عدم یکپارچگی در یمن و تقسیم این کشور به شمالی و جنوبی است اما پس از اتحاد دو یمن، این درگیری‌ها ادامه یافت و تا به امروز استمرار یافته است. در این قسمت رخدادهای مهم یمن پس از اتحاد به صورت موجز بیان شده تا بر طبق روند این حوادث آینده جنگ یمن پیش‌بینی گردد.

علی عبدالله صالح در ابتدای نیل به قدرت به صورت وسیعی با عربستان سعودی به همکاری پرداخت. همکاری‌های وسیع علی عبدالله صالح با عربستان در دوران اتحاد یمن دو پیامد مهم داشت. نخست ترویج اندیشه وهابیت در سطح یمن. دوم آغاز سلسله‌ای از جنگ‌های شدید و طولانی علیه حوثی‌ها به نمایندگی انصارالله. عربستان سعودی در دوران زمامداری علی عبدالله صالح به تأسیس مراکز دینی وهابیت در مناطق

مختلف یمن به ویژه مناطق شیعه و زیدی نشین صعه پرداخت و در این امر نیز موفق بود. این اقدام از عوامل رشد اندیشه سلفیت و بروز گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش در یمن گردید (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۱۸). دومین اقدام مهم عربستان برانگیختن عبدالله صالح علیه حوثی‌ها بود که در ادامه به صورت موجز بیان می‌گردد.

در سال ۲۰۰۴ حوثی‌های یمن در اعتراض به تبعیض دولت میان آنان و دیگر طوایف به مخالفت با دولت مرکزی یمن پرداختند. آنان به اموری چون سخت‌گیری دولت مرکزی نسبت به زیدی‌ها، تبعیض میان آنان و دیگر قبایل یمن، تعامل خشونت‌آمیز دولت با آنان، ارتباط نزدیک دولت به آمریکا، نقض حقوق بشر و مواردی از این قبیل اعتراض کردند که سبب بروز جنگ میان حوثی‌ها و دولت مرکزی شد و تا شش سال به طول انجامید و در سال ۲۰۱۰ به اتمام رسید (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۲۶۱).



تصویر شماره ۴: مهم‌ترین دلایل اعتراض شیعیان در دولت علی عبدالله صالح

حمله عربستان سعودی به یمن آخرین تحول مهم و سرنوشت سازی است که تا به امروز (۲۰۲۰) کشور یمن به خود دیده است. در این رخداد مهم و تاریخی تحولات بسیار زیادی در صحنه نبرد به وجود آمد و ائتلاف‌های سیاسی گوناگونی شکل گرفت. کشورهای بسیاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم در این پیکار فراگیر شرکت کردند. هریک از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متناسب با منافع خود که دنبال می‌کردند به تعامل با این رخداد بزرگ پرداختند. امارات با آغاز این بحران به سرعت به سمت جنوب یمن لشکرکشی کرده و برخی از جزایر استراتژیک را به تصرف خود درآورد (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۳۴۱-۳۴۶) و تا به امروز نیز سعی می‌کند تا به هر صورت ممکن این متصرفات را حفظ کند. امارات منافع خود را در تقسیم یمن به شمالی و جنوبی می‌بیند (طارق الیمنی، ۱۳۹۸/۹/۹). برخی از کشورهای دیگر همچون قطر در ابتدا به صورت قاطع و جدی عربستان را در این حمله یاری کردند اما پس از ناکامی عربستان در این بحران و برتری یافتن انصارالله بر آن ائتلاف عربی، سیاست متعادل‌تری در قبال انصارالله اتخاذ کرده‌اند (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۳۴۰). رژیم صهیونیستی از ابتدای جنگ با عربستان همراه بوده و تا به امروز با قوت از عربستان حمایت می‌کند زیرا نگران قدرت یافتن نیروهای همسو با جمهوری اسلامی در یمن است (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۳۲۸-۳۲۹). کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با آغاز بحران یمن سلطنت خود را در خطر یافتند لذا جهت حفظ امنیت حکمرانی خود از رژیم صهیونیستی استمداد طلبیدند؛ بنابراین رژیم صهیونیستی از بدو آغاز جنگ یمن هم در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس حضور یافت و هم در یمن و تنگه باب المندب به ایفای نقش پرداخته و بنا بر گفته رئیس سابق موساد، توانسته در طول جنگ به دستاوردهای مهمی نائل آید (طارق الیمنی، ۱۳۹۸/۹/۹). از مهم‌ترین اهدافی که این رژیم در یمن دنبال می‌کند اختلاف‌افکنی میان شیعه و سنی و تقسیم یمن به شمالی و جنوبی است. کشورهایی چون انگلستان و فرانسه در عرصه سیاسی با حمله عربستان به یمن اظهار مخالفت می‌کنند اما در عرصه عمل به دنبال فروش تجهیزات نظامی به عربستان هستند بنابراین از طولانی شدن جنگ استقبال می‌کنند (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۲۹۳-۳۰۷). انگلستان از جمله کشورهایی است که با همکاری آمریکا و رژیم صهیونیستی در این منطقه جهت تقسیم یمن به شمالی و جنوبی، به دنبال منافع

۳. سناریوهای محتمل آینده جنگ یمن و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران
شهادت قاسم سلیمانی توسط نیروی هوایی آمریکا در بغداد در تاریخ سوم ژانویه ۲۰۲۰ موجب آگاهی سیاسی بیشتر مردم منطقه از دشمنی آمریکا و اتحاد بیش‌ازپیش محور مقاومت گردید (امهز، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶). نیروهای انصارالله نیز به عنوان قطعه‌ای از پازل محور مقاومت با قدرت بیشتری به مقابله نیروهای ائتلاف سعودی در یمن پرداخته و همین امر علاوه بر وارد ساختن شکست سنگین بر عربستان سعودی در عملیات البینان المرصوص، موجب عقب‌نشینی تدریجی نیروهای اماراتی و سودانی از یمن گردید. در حال حاضر نیز عربستان سعودی به دنبال خروج آبرومند از یمن است (امهز، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶). با این توصیفات در ادامه مقاله تلاش می‌شود تا همه سناریوهای محتمل از آینده جنگ یمن و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران پس از شهادت قاسم سلیمانی، به ترتیب از قوی به ضعیف بیان شود.

۱-۳. سناریوی اول: ادامه روند فعلی

محتمل‌ترین سناریو پیرامون جنگ یمن، ادامه روند فعلی است. کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در بحران یمن دخیل بوده و بر آن تأثیرگذار، هنوز نتوانسته‌اند راه‌حل مناسبی برای حل این بحران بیابند. آنچه احتمال تحقق این سناریو را افزایش می‌دهد تنش سیاسی میان عربستان و ایران پیرامون جنگ یمن است که بسیار پیچیده‌تر از بحران گردیده و پس از شهادت قاسم سلیمانی این پیچیدگی افزایش یافته است. تا قبل از شهادت قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، عربستان امیدوار بود که از طریق ادامه جنگ، یا انصارالله را نابود کند و یا اینکه با اعمال فشارهای اقتصادی و حملات گسترده نظامی، مردم یمن را علیه انصارالله بشورانند؛ و در پی این بود که اگر هم این امر میسر نگردد و عربستان در موضع ضعف قرار گرفت پیشنهاد گفتگو با انصارالله را مطرح کند (طارق الیمنی، ۱۳۹۸/۹/۹)، این درحالیست که در حال حاضر به دنبال خروج آبرومند از یمن است. درحالی‌که نیروهای انصارالله پس

از شهادت قاسم سلیمانی، با روحیه انتقام‌جویی بیشتری به نبرد می‌پردازند و گویا در عمل به دنبال ادامه جنگ برای ضربه زدن به عربستان و آمریکا و انتقام‌گیری از آنان در یمن هستند.

پیشران‌های این سناریو از این‌قرار است: ۱. جنگجویان یمنی به‌ویژه نیروهای انصارالله پس از گذشت بیش از ۵ سال از حمله ائتلاف سعودی به یمن، به این درک رسیده‌اند که سعودی به سبب صرف هزینه بسیار کلان نظامی در این جنگ، از ابتدا خواهان پیروزی قطعی بوده است. نیروهای انصارالله به این باور رسیده‌اند که چون عربستان در این جنگ از جنگجویان یمنی بسیار آسیب دید، بنابراین به دنبال نابودی آنان به‌ویژه نابودی طایفه حوثی و جنبش انصارالله بوده است. بسیاری از جنگجویان انصارالله بر این باور هستند که تنها هدف عربستان سعودی از جنگ یمن نابودی نیروهای انصارالله است و تا به این هدف خود نائل نیاید آرام و مستقر نخواهد شد. ۲. نیروهای انصارالله با اشاره به تجربه نقض آتش‌بس‌های یک‌طرفه گروه‌های مورد حمایت عربستان سعودی در بحران سوریه و یمن معتقدند که عربستان سعودی به هیچ قرارداد آتش‌بس و صلح‌نامه و گفتگویی پایند نبوده و تنها به دنبال نسل‌کشی طایفه زیدی و حوثی‌های یمن است. همین امر سبب شده تا نیروهای انصارالله با تمام قوا به مقابله با عربستان سعودی بپردازند. ۳. ادامه بحران یمن در راستای منافع اقتصادی برخی از کشورها همچون فرانسه و انگلستان برای فروش تسلیحات نظامی به عربستان است. برخی دیگر از کشورها همچون روسیه، ترکیه و امارات به دنبال تصرف برخی از جزایر یمن و یا اجاره بنادر کشورهای همسایه یمن جهت تأسیس پایگاه نظامی هستند (بیگی، پایگاه جریان شناسی دیدبان، ۱۳۹۸/۳/۲۵)، لذا به ادامه جنگ یمن نیاز دارند، هرچند در بیان و در رسانه دائماً بر لزوم آتش‌بس تأکید کنند.

با این وجود بایستی اذعان داشت تحولات سال ۲۰۱۸ حاکی از آن بود که جایگاه شیعیان یمن در معادلات سیاسی آتی این کشور پررنگ‌تر خواهد شد. به همین سبب حضور بیش‌ازپیش شیعیان به‌طور عام و انصارالله به‌طور خاص در ساختار سیاسی یمن می‌تواند جهت‌گیری سیاست خارجی یمن را به‌سوی اهداف راهبردی و تأمین امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران سوق دهد زیرا می‌تواند امنیت ترانزیتی جمهوری

اسلامی در این منطقه را برقرار کند؛ به عبارت دیگر هر پیروزی که هر یک از اعضای محور مقاومت به دست آورد، به نوعی به معنای تأمین امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیکر اصلی محور مقاومت است (امهز، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶).

سد کننده‌های این سناریو بدین صورت است که انصارالله به دلیل محاصره دریایی، هوایی و زمینی، بیش از این توان مقاومت و مقابله در برابر عربستان سعودی را نخواهد داشت، لذا ممکن است تن به گفتگو دهد. سد کننده دیگر این است که ممکن است شهادت قاسم سلیمانی که موجب عزم بیش‌ازپیش نیروهای حوثی در مقابله با عربستان سعودی شده است، سعودی را به متحمل خسارت‌های مالی و جانی بسیار کرده و سبب شود تا خاندان سعودی تن به گفتگو دهند.

کارت شگفتی‌سازی که در این سناریو ممکن است مطرح شود، احتمال نابودی جامعه حوثی‌ها به نمایندگی انصارالله توسط عربستان سعودی است. این کارت شگفتی‌ساز گرچه به ندرت ممکن است محقق شود اما باید توجه داشت که در صورت ادامه جنگ یمن، عربستان سعودی بسیار تلاش خواهد کرد تا انصارالله و حوثی‌ها را تماماً از بین ببرد. نابودی زیدی‌ها برنامه‌ای بوده که عربستان سعودی پس از استقرار دولت مطبوع خود پس از اتحاد دو یمن شمالی و جنوبی، همواره دنبال می‌کرده است. در صورت تحقق این امر، امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در تنگه باب‌المندب و دریای سرخ و خلیج عدن با تهدید مواجه خواهد شد.

۲-۳. سناریوی دوم: گفتگو

در زمان حاضر که جامعه جهانی از جنگ یمن به ستوه آمده و زمزمه گفتگوی میان طرف‌های درگیر در این بحران به گوش می‌رسد، ممکن است که کشورهای بین‌المللی خواستار اتمام این بحران از طریق گفتگو باشند. پیش‌تر این سناریو عبارت است از ۱. تأکید جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور اثرگذار در تحولات یمن به گفتگو میان طرفین؛ ۲. محاصره دریایی، هوایی و زمینی انصارالله و قحطی شدید در این کشور؛ ۳. تلفات جانی و مالی گسترده عربستان و امارات؛ ۴. تبلیغات گسترده رسانه‌های بین‌المللی علیه عربستان؛ ۵. ناامنی در تنگه باب‌المندب و تهدید امنیت انرژی و ترانزیت

بین‌المللی؛ ۶. تحت فشار قرار افکار عمومی گرفتن آمریکا و هم‌پیمانان منطقه آنان از اقدامات آنان در منطقه، پس از ترور قاسم سلیمانی.

سدکننده‌های این سناریو نیز عبارت‌اند از ۱. کارشکنی‌های قبیله‌های حاشد و بکیل یمن جهت به شکست منجر شدن گفتگو؛ ۲. اصرار بیش‌ازپیش نیروهای انتقام جوی حوثی برای ادامه جنگ جهت انتقام‌جویی از هم‌پیمانان آمریکا در یمن؛ ۳. اختلافات ایدئولوژیک عربستان و انصارالله.

برطبق سدکننده‌های این سناریو بایستی به این نکته اشاره کرد که روند گفتگو با شکست مواجه می‌شود، زیرا انصارالله که از طایفه زیدیه است به دلیل سابقه ۱۲۰۰ ساله امامان زیدی در حکمرانی بر یمن، بدون شک خواهان برخی از مناصب قدرت خواهد بود. این در حالی است که عربستان سعودی یا آمریکا به‌هیچ‌وجه خواهان مشارکت انصارالله در قدرت نخواهند بود زیرا آنان با مشاهده تجربه قدرت حزب‌الله در لبنان، انصارالله را نیز به‌مثابه حزب‌الله در یمن می‌دانند که در صورت قدرت یافتن در یمن، به سبب برخورداری از روحیه استکبارستیزی، با منافع عربستان و آمریکا به مقابله خواهند پرداخت.

کارت شگفتی‌ساز این سناریو عبارت است از درخواست قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از جمهوری اسلامی ایران جهت متمایل ساخت انصارالله به گفتگو. پیامد این امر می‌تواند بدین صورت باشد که این کشورها برای متقاعد کردن جمهوری اسلامی ایران جهت هدایت انصارالله به سوی گفتگو، ممکن است امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در حوزه ترانزیت کالا و انرژی را به خطر انداخته و آن را از پیامدهای جنگ یمن معرفی کنند تا جمهوری اسلامی ایران بیش‌ازپیش به گفتگوهای طرفین احساس نیاز کند. از سوی دیگر ممکن است که با پیروزی‌های مستمر انصارالله در یمن پس از شهادت قاسم سلیمانی و اهتمام بیش‌ازپیش جمهوری اسلامی ایران به محور مقاومت، دشمنان محور مقاومت به طلایه داری آمریکا و عربستان سعی کنند جهت تحت‌فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران، به عملیات‌هایی انتحاری در استان‌های مرزی همچون سیستان و بلوچستان و کردستان و خوزستان مبادرت ورزند. آنچه احتمال این کارت شگفتی‌ساز را افزایش می‌دهد این است که بنابر نظر کارشناسان آمریکایی و

سعودی، آنچه موجب بیم مردم ایران و به دنبال آن مطالبه گری از نظام جهت تنش زدایی می شود، نه ایجاد شورش داخلی بلکه ایجاد ناامنی از طریق عملیات تروریستی و انتحاری است (الخیرو، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶).

۳-۳. سناریوی سوم: تقسیم یمن به دو کشور شمالی جنوبی

تقسیم یمن به دو کشور شمالی و جنوبی از گزینه‌هایی است که عربستان سعودی در طول تاریخ در یمن دنبال کرده است. تاریخ یمن نیز حکایت از آن دارد که این کشور ظرفیت تقسیم دارد. عربستان سعودی اگر نتواند جنگ را به نفع خود به اتمام برساند، قطعاً به دنبال نیروهای تحت حمایت خود در جنوب یمن خواهد بود تا جنگ شمال و جنوب یمن را ایجاد کند. بدین صورت خواهد توانست تا از طریق پشتیبانی هوایی نیروهای تحت حمایت خود، یمن شمالی را تحت حمله‌های گسترده هوایی قرار دهد (الخیرو، ۱۳۹۸/۹/۴). پیشران‌های این سناریو نیز عبارت‌اند از ۱. ظرفیت کشور یمن در تقسیم شدن به یمن شمالی و جنوبی؛ ۲. تلاش‌های تاریخی عربستان به تقسیم یمن به شمالی و جنوبی جهت قطع حضور زیدی‌ها در جنوب و محصور ساختن آنان در محیط کوهستانی شمالی؛ ۳. حضور امارات در جنوب یمن؛ ۴. علاقه یمن جنوبی به شوروی سابق و کمونیسم؛ ۵. تلاش کشورهای هم‌چون امارات، عربستان، انگلیس، آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تقسیم یمن به شمالی و جنوبی.

سد کننده‌های این سناریو نیز عبارت‌اند از ۱. مخالفت جمهوری اسلامی ایران با تقسیم یمن؛ ۲. سابقه سه دهه اتحاد میان یمن شمالی و جنوبی؛ ۳. شکست‌های مکرر ائتلاف سعودی؛ ۴. افزایش روزافزون قدرت نظامی و دفاعی انصارالله.

کارت شگفتی‌ساز این سناریو می‌تواند پیشروی انصارالله به سوی جنوب این کشور و حتی تصرف بنادر جنوبی این کشور باشد. در صورتی که انصارالله بر مناطق جنوبی تسلط یابد دیگر تقسیم شمال و جنوب مورد نظر عربستان سعودی تحقق نخواهد یافت.

تقسیم یمن به یمن شمال زیدی نشین و جنوب سنی نشین که عربستان سعودی به دنبال آن است، پیامدهای امنیتی نامطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در حوزه ترانزیت کالا و انرژی دارد. تنگ باب المندب و جزیره پریم (میون) که در جنوب یمن

قرار دارند اگر در اختیار گروه‌های سلفی مورد حمایت عربستان سعودی قرار گیرد، ممکن است کشتی‌های جمهوری اسلامی ایران که قصد عبور از تنگه باب المندب و نیل به کانال سوئز را دارند، مورد هجوم قرار گیرند و یا اینکه بازرسی اجباری شوند. علاوه بر آن، تقسیم یمن سبب می‌شود تا حوثی‌های هم‌پیمان با جمهوری اسلامی ایران در مناطق صعب‌العبور شمال محدود شده و از بنادر تجاری جنوب یمن محروم مانند. علاوه بر آن، همسایگی حوثی‌های انصارالله در شمال یمن با جنوب عربستان سعودی موجب تهدید نظامی آنان از سوی عربستان سعودی می‌گردد. این امور موجب تضعیف حوثی‌های هم‌پیمان جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه افزایش اختلافات جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی می‌گردد که به نوبه خود تبعات سیاسی و اقتصادی زیادی به دنبال خواهد داشت.

۳-۴. سناریوی چهارم: همه‌پرسی

همه‌پرسی ضعیف‌ترین سناریوی محتمل پیرامون یمن است. تجربه همه‌پرسی در انتخاب عبدربه منصور هادی در سال ۲۰۱۲ تنها پیشران این سناریو است. با این وجود برخی بر این باور هستند که با طولانی شدن بحران یمن، جهت پایان بخشیدن به این بحران باید همه‌پرسی تشکیل شود که احتمال تحقق آن نیز در یمن بسیار ضعیف است. سد کننده‌های این سناریو عبارت‌اند از ۱. عدم زیرساخت‌های لازم در زمینه‌های عمرانی و اجتماعی و سیاسی؛ ۲. صعب‌العبور بودن برخی از مناطق و عدم امکان برگزاری انتخابات سالم؛ ۳. فساد گسترده سیاسی در مناصب حکومتی و سیاسی.

در صورت رخداد کارت‌های شگفتی‌ساز و اینکه یمن در روند همه‌پرسی قرار گیرد، در جریان همه‌پرسی نیز تمایل اکثریت مردم یمن به سوی حوثی‌های انصارالله خواهد بود زیرا که انصارالله در مبارزه با فساد، مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و تأمین امنیت برای مردم یمن کارنامه قابل دفاع و قابل قبولی دارد. این امر سبب به قدرت رسیدن انصارالله به عنوان یکی از گروه‌های اسلام‌گرای نزدیک به ایران می‌شود که به هیچ وجه مطلوب عربستان سعودی نخواهد بود (نجات و موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۵۷ و ۱۶۳-۱۶۴) اما موجب افزایش امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در تنگه

باب المندب خواهد شد.

تحولات سال ۲۰۱۸ نشان از قدرت‌یابی انصار الله در عرصه میدانی بحران یمن دارد و با توجه به افزایش محبوبیت مردمی این جنبش و همچنین به سبب فرسایشی و طولانی شدن بحران یمن و تحت فشار قرار گرفتن عربستان سعودی از سوی سازمان‌های حقوق بشر، چه در صورت برگزاری همه‌پرسی، چه در صورت گفتگوی گروه‌ها و احزاب سیاسی و چه در صورت ادامه بحران، پیروزی نسبی از آن جنبش انصار الله خواهد بود. پیروزی نسبی جنبش انصار الله نیز به صورت غیرمستقیم آینده امنیتی جمهوری اسلامی ایران را در منطقه و به‌ویژه در گذرگاه‌های ترانزیتی برقرار خواهد کرد. سناریوهای این پژوهش را به صورت خلاصه در جدول ذیل می‌توان مشاهده کرد.

۸۵



چشم‌انداز جنگ
یمن و پیامدهای
امنیتی آن برای
جمهوری اسلامی
ایران

تصویر شماره ۵. سناریوهای آتی جنگ یمن و پیامدهای امنیتی آن بر ایران

سناریوی اول	سناریوی دوم	سناریوهای سوم	سناریوی چهارم	نام
ادامه روند فعلی	گفتگو	تقسیم یمن به شمالی و جنوبی	همه‌پرسی	
۱. باور انصارالله به جنگ‌طلبی عربستان	۱. تأکید ایران بر گفتگوی طرفین درگیر در بحران	۱. ظرفیت یمن به تقسیم	۱. تجربه همه‌پرسی	پیشن
۲. باور انصارالله به نقض عهد عربستان	۲. محاصره یمن و بروز قحطی گسترده	۲. تلاش عربستان برای تقسیم جهت محصور ساختن	انتخاب عبدربه منصور هادی	
۳. منافع کشورهای غربی در ادامه بحران	۳. تلفات مالی و جانی عربستان و امارات	۳. زیدی‌ها در شمال حضور امارات در یمن		
	۴. ناامنی ترانزیت بین‌المللی	۴. علاقه یمن جنوب به کمونیسم		
	۵. تحت فشار افکار عمومی فرارگرفتن آمریکا و هم‌پیمانان تحت تأثیر شهادت قاسم سلیمانی	۵. تلاش کشورهای مختلف غربی برای تقسیم		

		۶. تبلیغات گسترده بین‌المللی علیه عربستان و هم‌پیمانان آن		
سد کننده	۱. تحریم انصارالله و ناتوانی ادامه جنگ؛ در نتیجه تمایل انصارالله به گفتگو ۲. عزم جدی انصارالله برای انتقام شهادت قاسم سلیمانی؛ در نتیجه خسارات مالی و جانی عربستان و تمایل سعودی به گفتگو	۱. اختلافات ایدئولوژیک انصارالله و عربستان ۲. کارشکنی‌های دو قبیله حاشد و بکیل در گفتگو ۳. عزم جدی انصارالله برای انتقام جویی از شهادت قاسم سلیمانی	۱. مخالفت ایران با تقسیم ۲. تجربه ۳ دهه اتحاد میان یمن شمالی و یمن جنوبی ۳. شکست‌های مکرر ائتلاف سعودی ۴. افزایش روزافزون قدرت دفاعی و نظامی انصارالله	۱. نبود زیرساخت لازم ۲. صعب‌العبور بودن شمال یمن ۳. فساد گسترده در دستگاه‌های سیاسی
کارت شگفتی‌ساز	نابودی انصارالله	درخواست کشورهای دیگر از ایران جهت وساطت گفتگو	تسلط بر جنوب توسط انصارالله	اقبال مردم یمن به انصارالله در همه‌پرسی
پیامد امنیتی برای ایران	سلطه عربستان بر یمن و تنگه باب المنذب در صورت نابودی انصارالله و امکان بستن تنگه باب المنذب بر روی کشتی‌های ایرانی	ایجاد تهدیدات امنیتی برای ترانزیت ایران در خلیج عدن و تنگه باب المنذب	انحصار انصارالله به شمال یمن و سلطه گروه‌های تکفیری بر بنادر جنوب و تنگه باب المنذب	بهبود جایگاه انصارالله در نگاه مردم و سلطه آن بر مناطق استراتژیک یمن به‌ویژه تنگه باب المنذب و تأمین امنیت ترانزیتی ایران

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی گردید تا آینده جنگ یمن در قالب چهار سناریو مطرح‌شده و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران تبیین گردد. بر اساس یافته‌های این پژوهش ۴ سناریو برای آینده جنگ یمن و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران می‌توان متصور شد که باوجود روند فعلی، جنگ یمن بدین‌صورت ادامه پیدا خواهد کرد. در صورتی که جنگ یمن بدین‌صورت ادامه یابد و زیدی‌ها به همین صورت روزبه‌روز قوی‌تر شده و عربستان نیز متحمل خسارات گسترده شود، این امر می‌تواند تأثیرات مثبتی بر امنیت ایران داشته باشد زیرا پیروزی و قدرت یافتن انصارالله در یمن به معنای قدرت یافتن محور مقاومت است. در صورتی که هم که روند فعلی جنگ موجب تنگ‌تر شدن حلقه محاصره هوایی، دریای و زمینی انصارالله و تحت‌فشار بیشتر قرارگرفتن انصارالله، ممکن است پیامدهای منفی امنیتی برای محور مقاومت و جمهوری اسلامی به دنبال داشته باشد. برطبق سناریوی دوم که بحث از گفتگو می‌کند، در صورتی که گفتگو میان طرفین صورت پذیرد، این به معنای پذیرفتن انصارالله و مشروعیت دادن به آنان در عرصه سیاسی یمن است. این امر به‌نوبه خود امتیازی است برای محور مقاومت در منطقه. حال اگر عربستان سعودی و هم‌پیمانان آن خواستار گفتگو باشند اما انصارالله تن به گفتگو ندهد، ممکن است که برای جمهوری اسلامی ایران خطرات امنیتی در منطقه به وجود آید تا جمهوری اسلامی انصارالله را برای انجام گفتگو و پایان دادن به این بحران تحت‌فشار بگذارد. تقسیم یمن به یمن شمالی و یمن جنوبی به عنوان سناریوی سوم، پیامدهای امنیتی بسیار بدی برای جمهوری اسلامی ایران به و محور مقاومت به دنبال خواهد داشت؛ زیرا در صورت تقسیم یمن، قسمت شمالی از آن انصارالله و قسمت جنوبی نیز از آن عربستان و امارات و گروه‌های معارض با جمهوری اسلامی قرار خواهد گرفت و تجارت دریایی ایران را به خطر خواهد انداخت. سناریوی چهارم یعنی همه‌پرسی نیز از احتمال بسیار کمی برخوردار است، پیامدهای مثبت برای ایران در سطح امنیت منطقه‌ای خواهد داشت زیرا محبوبیت انصارالله در چند سال اخیر به‌شدت افزایش یافته و این امر می‌تواند نتیجه همه‌پرسی را به نفع انصارالله تغییر دهد.

منابع

- الخیرو، یاسر. (۱۳۹۸/۹/۴). *آینده جنگ و پیامدهای احتمالی آن*، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، تهران.
- الخیرو، یاسر. (۱۳۹۸/۱۱/۱۶). *تأثیر شهادت قاسم سلیمانی بر تحولات یمن*، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، تهران.
- العمری، حسین بن عبدالله. (۲۰۱۱). *یمانیا فی التاریخ و الثقافه و السیاسه*، دار الفکر، دمشق، سوریه.
- الیمنی، طارق. (۱۳۹۸/۹/۹). *نقش کشورهای مختلف در بحران یمن*، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، تهران.
- ابو احمد. (۱۳۹۸/۴/۱۸). *تاریخ تحولات یمن*، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
- امهز، حسین. (۱۳۹۸/۱۱/۱۶). *تأثیر شهادت قاسم سلیمانی بر تحولات یمن*، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، تهران.
- بیگی، علیرضا و باقری دانا، احسان. (۱۳۹۸). *سیاست و حکومت در یمن*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بیگی، علیرضا. (۱۳۹۸/۳/۲۵). *توسعه طلبی‌های اسپارت خلیج فارس*، پایگاه جریان شناسی دیدبان، قابل مشاهده در لینک ذیل: <https://b2n.ir/915857>
- پدرام، عبدالرحیم و زالی، سلمان. (۱۳۹۷). «الگوی نوین برای سناریونویسی در موضوعات راهبردی، مطالعه موردی: سناریوهای آینده بحران سوریه»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلامی*، شماره ۲۶، صص ۱-۲۶.
- جعفریان، محمود. (۲۵۳۵). *در ظفار خبری نیست*، چاپ دوم، تهران: انتشارات روابط عمومی حزب رستاخیز ملت ایران، نشر خوشه.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۶). *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

رستمی، فرزاد و لطفی، کامران و پیرمحمدی، سعید. (۱۳۹۷). «جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۳۵-۹.

سمیعی اصفهانی، علیرضا و محمدی عزیزآبادی، مهدی و نیکفر، جاسب. (۱۳۹۴). «ژئوپلیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان در بحران یمن»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره دوم، صص ۲۷-۱. شولز، رینهارد. (۲۰۰۰). *نگاهی نو به تاریخ جهان اسلام*، ترجمه امیربهرام عرب احمدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

صادقی، حسین و احمدیان، حسن. (۱۳۸۹). «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۵۶.

عنايت‌الله، سهیل. (۱۳۹۳). *پرسش از آینده: روش‌ها و ابزارهای تحول سازمانی و اجتماعی*، ترجمه مسعود منزوی، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۵). «آینده‌پژوهی سیاسی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۷۹، صص ۱۹۸-۱۷۷.

غریباق زندی، داود. (۱۳۹۵). «دورنمای رابطه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی: سناریوهای محتمل»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال نوزدهم، شماره ۷۳، صص ۱۲۸-۱۰۱.

کریملو، داود. (۱۳۹۳). *کتاب سبز یمن*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. مجموعه من المؤلفین. (۱۹۹۰). *تاریخ الیمن المعاصر*، ترجمه محمدعلی البحر، قاهره، مصر: مکتبه مدبولی.

نجابت، روح‌الله و کوشکی، محمدصادق. (۱۳۹۵). *انصارالله در یمن از تأسیس تا تثبیت* (۲۰۱۳-۲۰۰۴)، قم: نشر معارف.

نجات، سیدعلی و موسوی، سیده راضیه و صارمی، محمدرضا. (۱۳۹۵). «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۷۹-۱۳۷.

ولیزاده میدانی، رامین و بیگی، علیرضا. (۱۳۹۶). *روایتی از دوران معاصر یمن*، تهران: انتشارات مناره.

هینه بوش، ریموند و احتشامی، انوشیروان. (۱۳۹۰). *سیاست خارجی کشورهای غرب آسیا*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

Farah, Caesar E. (2002). *The Sultan's Yemen*, New York: I.B.Tauris.
Halliday, Fred. (1990). "Revolution and Foreign Policy", *The Case of South Yemen, 1967-1987*, (Cambridge: Cambridge University Press).

Pradhan, Prasanta Kumar. (2017). *Arab Spring and Sectarian Faultlines in West Asia: Bahrain, Yemen and Syria*, Institute for Defence Studies & Analyses (idsa), New Delhi, Pentagon Press.

The World Fact Book. (2010). "Yemen", CIA, accessed in 4 Feb. Weir, Shelgh, (1997), *A Clash of Fundamentalism Wahhabisms in Yemen*, Middle East Report, vol. 27, no.3, July-September 1997.

۹۰

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و هشت

پاییز ۱۳۹۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی